

مناقشات ایران و کمپانی هندشرقی انگلیس بر سر عواید گمرکی بندرعباس در عصر صفوی

فرح‌الله احمدی^۱

انور خالندی^۲

چکیده

شاه عباس اول، که در اندیشه اخراج پرتغالی‌ها از خلیج فارس بود، در صدد برآمد تا آنها را با یاری نیروی دریایی کمپانی هند شرقی، از این منطقه بیرون براند. در سال 1024 ق. / 1615 م. وی با کمپانی هند شرقی انگلیس قراردادی در 20 ماده بست و امتیازات فراوانی به آنان اعطاء کرد. پس از شکست پرتغالی‌ها، شاه عباس امتیازات دیگری به کمپانی هند شرقی داد، از آن جمله واگذاری نصف عواید گمرکی بندرعباس، اما بعدها، مسأله پرداخت کامل نصف عواید گمرکی بندرعباس به کمپانی تا اواخر دوره صفویان همچنان یکی از موارد مهم اختلاف میان حکومت ایران و کمپانی هند شرقی انگلیس باقی ماند. اعزام سفیران متعدد از انگلستان به دربار صفوی نیز مسأله را به طور کامل حل نکرد، هر چند که بهره‌وری کمپانی از این امتیاز در تمام دوره حکومت صفوی یکسان نبود.

• واژگان کلیدی:

ایران، کمپانی هندشرقی انگلیس، دولت صفوی، بندرعباس، عواید گمرکی، مناقشات

تاریخ دریافت مقاله: 1392/3/22

تاریخ پذیرش مقاله: 1392/6/17

Email: Fahmadi@ut.ac.ir

^۱ دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تهران

Email: A.khalandi@ut.ac.ir

^۲ دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه تهران

مقدمه

در پایان قرن پانزدهم میلادی، با آغاز اکتشافات جغرافیایی و به سبب دسترسی اروپاییان به عرصه تجاری در اقیانوس اطلس و شرق، انگلیسی‌ها نیز کوشش‌های خود را برای رخنه در بازار شرق آغاز کردند: کمپانی هند شرقی انگلیس، که به منظور تنظیم مبادلات بازرگانی اتباع انگلیسی در شرق در سال ۱۰۰۹ق. / ۱۶۰۰م. به فرمان ملکه الیزابت تأسیس شده بود، به تدریج وارد هندوستان شد و موقعیت خود را در آن کشور استحکام بخشید. تجارت، به ویژه تجارت انحصاری شرق، عمده‌ترین آمال کمپانی بود و بنابراین، کمپانی به فعالیت تجاری در هندوستان اکتفاء نکرد و در جست و جوی راههای نفوذ در سایر بخش‌های این منطقه - یعنی سرزمین‌های پیرامون هند - برآمد. در این میان، ایران به عنوان منطقه‌ای ثروتمند و مستعد تجارت پرسود، توجه مقامات کمپانی هند شرقی انگلیس را جلب کرد تا با ورود به بازار کشور، آن را به یکی از مراکز اصلی فروش کالاهای خود تبدیل کنند. به همین منظور، آنها نمایندگانی به دربار شاه عباس اول اعزام داشتند و در پی آن، توانستند فرمانی در باب آزادی بازرگانان کمپانی برای فعالیت‌های تجاری دریافت دارند؛ بدین ترتیب روابط اقتصادی ایران و کمپانی هند شرقی انگلیس شکل گرفت. شاه عباس اول با انعقاد قرارداد اتحاد با کمپانی هند شرقی علیه پرتغالی‌ها در تاریخ ۲۵ صفر ۱۰۳۱ / ۹ ژانویه ۱۶۲۲، امتیازاتی از جمله حق دریافت نصف عوارض گمرکی بندرعباس را به کمپانی اعطاء کرد. این امتیاز در دوره شاه عباس اول، شاه صفی، شاه عباس دوم، شاه سلیمان و شاه سلطان حسین محل مناقشه باقی ماند.

دوره شاه عباس اول و شاه صفی

شاه عباس اول (۱۰۳۸ - ۹۹۶ق. / ۱۶۲۹-۱۵۸۸م.) با همکاری کمپانی هند شرقی انگلیس، موفق شد پرتغالی‌ها را در نبرد هرمز شکست دهد (منشی، ۱۳۷۷: ۳ / ۱۶۲۶-۱۶۲۱). او در فرمانی همه امتیازاتی را که پیش از آن در سال ۱۰۲۶ق. / ۱۶۱۷م. به ادوارد

کاناک^۱، نماینده کمپانی هند شرقی داده بود، تأیید کرد و همچنین به آنان اجازه داد تا هر مقدار ابریشم، از هر نقطه ایران بخرند و کالاهای خود را بدون پرداخت عوارض گمرکی، به اصفهان وارد کنند. این یکی از مهم‌ترین امتیازات سپرده شده به کمپانی بود. افزون بر این، آنها اجازه یافتند در بندر تازه تأسیس گمبرون (بندر عباس) دفتر تجاری افتتاح کنند، اقامتگاههای مسکونی برای بازرگانان بسازند و نصف عوارض گمرکی این بندر از آن انگلیسی‌ها باشد (وثوقی، 1384: 266/بیانی، 1384: 729). بندر عباس برای تجارت انگلیسی‌ها به مراتب مناسب‌تر از جاسک بود، زیرا راه بسیار همواری آن منطقه را به پایتخت کشور متصل می‌کرد و انگلیسی‌ها آسان‌تر از پیش می‌توانستند کالاهای خود را به داخل ایران حمل کنند (ویلسون، 1348: 174). کمپانی هند شرقی مراتب سپاسگزاری خود را با فرستادن تحفه‌ها و هدیه‌هایی برای دربار شاه عباس اول اعلام داشت، اما به نظر می‌رسید که هیچ یک از طرفین بر تعهداتی که برای پس از پایان جنگ داده بودند، پایبند نماندند. به نوشته تاورنیه، سیاح فرانسوی: «نه ایرانی‌ها به وعده خود وفا کردند و نه انگلیسی‌ها. پادشاه ایران پس از فتح هرموز تمام اسرای جنگی را مطالبه کرد و گفت اینها خواه مسیحی و خواه مسلمان اهل دین، مملکت و رعیت من هستند و باید تسلیم من شوند، همه‌ی آن‌ها را گرفت و به اصفهان فرستاد ... همچنین تمام توپ‌ها را تصاحب کرد... از آن طرف انگلیسی‌ها هم از وعده‌ی خود تخلف کرده و در سال اول یکی از چهار کشتی را که بایستی در دریا ساخلو داشته باشند، کسر نمودند و سال بعدی هم همین‌طور» (تاورنیه، [بی تا]: 687).

به گواهی سرجان ملکم: «امیدهایی که نوکرهای کمپانی در اخراج پرتگالی‌ها از هرموز و سایر متصرفات ایشان داشتند به کلی مبدل به یأس شد. در معاهده‌ای که مابین ایشان و شاه عباس شد، قرار چنان بود که اموال منهوبه بالسویه قسمت شود و از هر طرف حاکمی معین کنند و از گمرک هرموز و بندرعباس حصه و بهره طرفین مساوی باشد. اما بعد از فتح کسی به عهدنامه اعتنایی نکرد و یکی از معتبرین وکلای کمپانی قبل از انجام به انگلند نوشت که: اگر

^۱. Edward Conock

پادشاه به عهد خود وفا کند اطفال عزیز ما حیات تازه‌ای خواهند یافت» [کنایه از کار و بار تجارتهای است که در بندرعباس داشتند]، هم او بعد از فتح هرموز می‌نویسد که هیچ فایده‌ای از اینجا مترتب نیست مگر این که به کلی در تصرف انگریز باشد و اگر هم خیال ضعیفی از این که روزی فایده‌ای مترتب شود باقی مانده آن هم وقتی که شاه عباس اذن نداد که انگریز استحکامات در هرموز یا در سایر بنادر خلیج فارس بسازد، قطع شد» (ملکم، 1382: 371/1).

از دوره شاه عباس اول، در باره چگونگی و میزان پرداخت عوارض گمرکی بندرعباس به کمپانی هند شرقی اطلاعات دقیقی در دست نیست، اما روشن است که یکی از عوامل نارضایتی کمپانی انگلیسی در این دوره، عدم پرداخت حقوق و عوارض گمرکی کمپانی هلندی‌ها در بندرعباس بود و این موضوع به ضرر آنها تمام می‌شد، زیرا طبق قرارداد، ایران می‌بایست نصف عوارض گمرکی بندرعباس را به انگلیسی‌ها می‌پرداخت، اما پرداختی دولت صفوی از عوارض گمرکی بندرعباس به کمپانی بسیار ناچیز بود؛ بدین سبب که به نوشته تاورنیه: «انگلیسی‌ها از وعده‌ی خود تخلف کرده و در سال اول یکی از چهار کشتی را که بایستی در دریا ساخلو داشته باشند کسر نمودند، سال دوم و سوم باز یکی از آنها کاسته شد، تا به یک کشتی منحصر گردید». (تاورنیه [بی تا]: 687) سبب عدم پرداخت یا پرداخت اندک عواید از سوی دولت ایران همان است که تاورنیه گفته است، زیرا در سال 1033 ق. / 1624 م، از 225 تا 550 تومان به آنها پرداخت شده بود (فریر، 1380: 249).

کمپانی هند شرقی انگلیس در دوره شاه صفی (1052-1038 ق. / 1642-1629 م.) نیز مانند دوره شاه عباس اول، همچنان با دولت ایران بر سر دریافت عوارض گمرکی بندرعباس درگیر بود، هرچند که مبالغی را سالانه به کمپانی پرداخت می‌کرد (نک، جدول ش. 1).

جدول ش. 1 - پرداخت‌های ایران به کمپانی هند شرقی بریتانیا در 1050-1041 ق. (عصر شاه صفی)

سال قمری	سال میلادی	دریافتی کمپانی (تومان)
1041	1631	550
1043	1633	242
1044	1634	341
1045	1635	225
1047	1637	345
1050	1640	700
		مجموع: 2403

*منابع: حبیبی و دیگران، 407:1387؛ فریر، 278:1380.

ملاحظه می‌شود که کمپانی طی 6 سال، مجموعاً 2403 تومان عایدات دریافت کرد، حال آنکه به نوشته تاورنیه، بندرعباس «مجموعاً سالی 21 الی 22 هزار تومان» عایدات گمرکی داشت (تاورنیه، [بی تا]: 688).

دوره شاه عباس دوم

در دوره شاه عباس دوم (1052-1077 ق. / 1642-1666 م.) به سبب جنگ‌های داخلی انگلیس و نیز جنگ‌های هلند و انگلستان در سال‌های 1061-1063 ق. / 1652-1654 م. و همچنین 1075-1077 ق. / 1665-1667 م. حکومت ایران از پرداخت عایدات به آنها خودداری کرد. پس از جنگ‌های داخلی انگلستان و پیروزی اولیور کرامول¹، عده‌ای همچنان هواخواه خاندان استوارت بودند و از سلطنت چارلز دوم² حمایت کردند. چارلز دوم (1660 - 1685 م.)

¹. Oliver Cromwell

². Charles II

به پیشنهاد شخصی به نام هنری بارد^۱ تصمیم گرفت که همو را برای اخذ عواید گمرکی معوقه بندرعباس راهی ایران کند.

هنری بارد استاد دانشگاه کمبریج و از طرفداران سرسخت چارلز اول، در جنگ‌های انگلستان یکی از دست‌هایش را از دست داده بود. چارلز اول به خاطر این جان فشانی، در سال ۱۰۵۳ ق. / ۱۶۴۶ م. به وی لقب بارونت داد و از آن پس به بارونت ویکونت بلومونت^۲ معروف شد. با پیروزی کرامول، بلومونت به زندان افتاد و پس از آزادی، به هلند رفت. در آنجا خواجه پطروس نامی، بازرگان ارمنی، وی را از رویدادهای ایران آگاه کرد. بلومونت از طریق خواجه پطروس متوجه شد که جانشینان شاه عباس اول در تأدیه سهم انگلیسی‌ها از حقوق گمرکی بندرعباس تعلل می‌کنند. او توانست نظر هواخواهان چارلز دوم را برای سفر به ایران و وصول مطالبات معوقه راضی کند (Lockhart, 1966: 98-99 / طاهری، ۱۳۵۴: ۱ / ۱۵۶-۱۵۷).

بلومونت در سال ۱۰۶۳ ق. / ۱۶۵۳ م. از بندر ونیز با کشتی به ازمیر رفت و در ذی‌القعدة همان سال همراه مانوچی وارد قزوین شد که شاه عباس دوم در این زمان در آنجا بسر می‌برد. شاه عباس با احترام او را در کاخ سلطنتی قزوین به حضور پذیرفت و پس از آگاهی از مضمون نامه چارلز دوم، بلومونت را فراخواند و ضمن اعلام خشنودی از آنچه چارلز دوم در نامه نوشته بود، به او قول داد در زمانی دیگر در اصفهان او را ملاقات کند (Lockhart, 1966: 101). نیکولو مانوچی^۳ جوان ایتالیایی همراه بلومونت، در کتابش به نام تاریخ پادشاهان گورکانی هند داستان سفر بلومونت و باریابی او در دربار ایران را به طور مفصل و کامل نوشته است (طاهری، ۱۳۵۴: ۱ / ۱۵۸).

قبل از ورود بلومونت به ایران، کمپانی هند شرقی انگلیس از طریق تاورنیه، سیاح فرانسوی خبر یافته بود که دربار انگلستان قصد دارد شخصی را برای اخذ عوائد گمرکی معوقه

^۱. Henry Bard

^۲. Vicoument Bellomont

^۳. Nicolo Manucci

بندرعباس اعزام کند (Lockhart, 1966:100). بنابراین، مأموریت بلومونت برای کمپانی انگلیسی غیرمنتظره نبود. البته بلومونت از شاه عباس خواسته بود که نمایندگان کمپانی هند شرقی انگلیس را به سبب هواداری از پارلمان و جمهوری اخراج کند (لوفت، 1381: 51 / رایینو، 1363: 10 / Lockhart, 1966:102).

کمپانی هند شرقی انگلیس با اطلاع از موضوع، به شاه عباس دوم و وزیرش چنین القاء کرد که بلومونت فرستاده واقعی شاه انگلیس نیست و افزون بر آن، قاطبۀ مردم هم از چارلز دوم حمایت نمی‌کنند. مهم‌تر از همه آنکه، ایرانیان نباید همزمان به دو گروه، بابت یاری در فتح هرمز پولی بپردازند. البته که انگیزه کمپانی انگلیس حفظ منافع خود بود و نه حکومت ایران (طاهری، 1354: 161-160).

مخالفت کمپانی هند شرقی انگلیس با بلومونت امری بدیهی به نظر می‌رسید، زیرا اولاً آنها مایل نبودند پادشاه انگلستان در امور تجاری کمپانی دخالت کند و عواید گمرکی بندرعباس را حق خود و نه پادشاه انگلستان می‌دانستند. ثانیاً، کارگزاران کمپانی در ایران برخلاف بلومونت، هواخواه پارلمان و ضد سلطنت‌طلبان بودند، با این همه جالب است که کمپانی هند شرقی انگلیس، در مشکلات به پادشاهی انگلستان متوسل می‌شد؛ چنانکه کارگزاران کمپانی در 1081 ق. / 1670 م. از چارلز دوم تقاضا کردند توصیه نامه‌ای به منظور بهبود موقعیت تجاری خود در ایران برای شاه سلیمان بفرستد.

به هر حال شاه عباس دوم، بلومونت را به حضور پذیرفت و گرچه مانوچی شرح باریابی او را آورده، اما به نظر می‌رسد نام صدراعظم را به اشتباه شیخ‌علی‌خان زنگنه ذکر کرده است، حال آنکه وزیر شاه عباس دوم پس از خلیفه سلطان در آن زمان، محمدبیگ بود. مانوچی در باره باریابی بلومونت نوشته است: «در آن روز به همراهی سفیر در دربار حاضر شدیم تا نامه‌ای را که پادشاه ایران خطاب به پادشاه انگلیس نوشته بود، تحویل بگیریم. پس از اجرای تشریفات مقدماتی، اعتمادالدوله کیسه‌ای را که حاوی نامه بود به دست سفیر داد و گفت که مخدومش،

پادشاه ایران آن را به حضور پادشاه انگلیس می‌فرستد... سفیر نامه را به سوی ترجمان خود دراز کرد. آن مرد بی‌درنگ پیش رفته نامه شاه را با دو دست گرفت. زیرا از رفتار سفیر پیدا بود که اگر مترجمان جلو نرود و نامه را نستانند، کیسه به طرف وی پرتاب شود. آن گاه سفیر بی هیچ گونه تعارف یا کرنشی اعتمادالدوله را در عقب سر نهاد و در حالی که گردن خود را راست نگه داشته بود از در بیرون رفت. در تمام این احوال شاه ایران چشمانش را بر زمین دوخته بود، انگار که هرگز چیزی را ندیده است و همگی حاضران از چنین جسارتی بهت زده خاموش مانده بودند» (پیشین: ۱۶۱-۱۶۲). صدراعظم محمدبیگ در پاسخ تقاضای بلومونت گفت: شاه مایل است و قصد دارد که این پول را به شاه انگلیس بپردازد، اما از آنجا که مبلغ و مقدار این پول هنگفت است، حمل و انتقال آن به انگلیس و تحویل دادن آن به چارلز، هم دشوار است و هم خطرناک. بلومونت پاسخ داد: در صورت دریافت پول، به خوبی می‌داند که چطور از آن مراقبت کند و به سلامتی به مقصد برساند (Lockhart, 1966: 103).

سرانجام مأموریت بلومونت شکست بود و عواملی مانند بی‌توجهی شاه عباس دوم، مخالفت صدراعظم محمدبیگ و تحریکات کمپانی هندشرقی انگلیس، موجب شکست مأموریت وی شد. پس از آن، بلومونت در سال ۱۰۵۶ ق. / ۱۶۵۵ م. به ناچار با کمپانی انگلیس سازش کرد به این شرط که علیه آنها کاری نکند و کمپانی نیز راه عبور یکی از کشتی‌هایش را فراهم آورد. او از مسیر سورت راهی دربار مغولان هند شد و پس از رسیدن به آگره، پایتخت، بر اثر گرم‌زدگی درگذشت (لکهارت، ۱۳۸۰: ۲۰۷ / رایینو، ۱۳۶۳: ۱۰).

وقتی آندریوز^۱، نماینده کمپانی انگلیس از سورت به ایران آمد، وزیر اعظم به او گفت: برای شاه وی ننگ است که به ملت انگلیس - که دیگر شاهی ندارد - گمرک بپردازد. قرارداد فقط با او و به نام او بسته شده است؛ حال دیگر نه شاهی در کار است و نه شرکتی، بلکه شرکت‌های متعددی وجود دارد (لوفت ۱۳۸۰: ۵۲). به نوشته پاول لوفت، بدون تردید اختلاف مربوط به سهم

^۱. Andrews

عوارض گمرکی میان طرف‌های رقیب انگلیس به حیثیت شرکت بازرگانی هند شرقی در دربار ایران لطمه زد (همان). با وجود این، اسناد و مدارک نشان می‌دهد که از یک سوی کارگزاران کمپانی در دریافت نیمی از درآمد گمرکات بندرعباس پافشاری می‌کردند، از سوی دیگر در عصر شاه عباس دوم نیز از این بابت مبالغی به کمپانی داده می‌شد، مؤید این نکته مفاد تقاضای کتبی نماینده کمپانی در 1069 ق. / 1658 م. است که در آن آمده است: «عرضه داشت بنده کمری سوی ایچند کپتان انگلیس به ذروه عرض می‌رساند که عشور بندر مبارکه عباسیه که مناصفه است و در سنه تنگوزئیل رفعت و معالی پناه عزت و عوالی دستگاه شمس محمد امین بیک ضابط مبارکه مذکوره علی الحساب مبلغ چهارصد و شصت تومان للبابت عشور تسلیم کمری نموده است و حساب سنه مذکوره مشخص گشته است، استدعا آنکه رقم مبارک اشرف اقدس همیون ... شود که رفعت و معالی پناه ضابط مذکوره حساب مناصفه آنچه بوده باشد حساب نموده و تتمه را واصل سازد. امر الاعلی. دیگر به عرض می‌رساند که در باب درست حساب نمودن عشور بندر مبارکه عباسیه استدعا آنکه حکم جهان آفتاب شعاع به عهده رفعت و معالی پناه عالیجاه محمد [امین] بیک ضابط بندر مبارکه مزبوره شفقت فرمایند که آنچه عشور سنه تنگوزئیل بوده باشد مناصفه حساب نموده واصل سازد. امر کم مطاعا» (افشار، 1380: 38).

به هر روی، کمپانی هند شرقی انگلیس با وجود مناقشاتی که با دولت ایران بر سر دریافت نصف عواید گمرکی بندرعباس داشت، در دوره شاه عباس دوم طی سال‌های مختلف مبالغی دریافت می‌کرد (نک: جدول ش. 2).

*جدول ش. 2- پرداخت‌های ایران به کمپانی هند شرقی بریتانیا در 1077-1053 ق. عصر شاه عباس دوم

سال قمری	سال میلادی	دریافتی کمپانی (تومان)
----------	------------	------------------------

612	1643	1053
2/1616	1644	1054
700	1645	1055
700/635	1648	1058
200/200	1649	1059
2/1612	1650	1060
750	1651	1062
758/550	1652	1063
700	1653	1064
500/650	1654	1065
400	1655	1066
700	1656	1067
650/700	1657	1068
400/500	1658	1069
500	1659	1070
450	1660	1071
650	1661	1072
630	1662	1073
550	1663	1074
700/700	1664	1075
650	1666	1077

* منابع: حبیبی و دیگران، ۱۳۸۷: ۴۰۸ - ۴۰۷؛ فریر، ۱۳۸۰: ۲۷۹ - ۲۷۸.

دوره شاه سلیمان

تاورنیه که در زمان شاه صفی، شاه عباس دوم و شاه سلیمان به ایران سفر کرد، می‌نویسد: سهم کمپانی هند شرقی انگلیس از گمرکات بندرعباس «مجموعاً بیست و یک الی بیست و دو هزار تومان گمرک بندرعباس عاید می‌شود ولی من خودم دیدم که انگلیسی‌ها بیشتر از پانصد تا ششصد تومان نتوانستند سهم خود را دریافت دارند. همین قدر هم شاه بندر به دهان چاپارها و مأموران می‌انداخت که چشم پوشی نماید. انگلیسی‌ها هم سعی می‌کردند که با شاه بندر معامله کرده او را گول بزنند. چون کمپانی تجارت انگلیسی و هلندی از ادای گمرک در ایران معاف هستند. انگلیسی‌ها هم با بعضی از تجار ساخت و ساز کرده، مال‌التجاره‌های آنها را جزء کالاهای کمپانی با مهر و علامت کمپانی وارد می‌کنند و آن جا صاحبان مال آمده وانمود می‌کردند که این امتعه را خریداری می‌نمایند و برای این کار دو درصد از تجار دریافت می‌دارند» (تاورنیه، [بی‌تا]: 687-688).

در دوره شاه سلیمان (1105-1077ق./ 1694-1666م.) نیز همین رویه ادامه یافت و کمپانی انگلیسی همچنان معترض بود. تنها مأخذ مهم از مناقشات و مذاکرات بر سر مسأله عوارض گمرکی بندرعباس میان طرفین در این دوره سفرنامه شاردن است که خود از نزدیک شاهد اختلاف طرفین بود.

به نوشته او، اتین فلور^۱ عامل کمپانی انگلیسی در ایران در دوره شاه سلیمان، همواره نسبت به این موضوع اعتراض داشت و به صدراعظم شیخ‌علی‌خان زنگنه می‌گفت: «بسیار می‌گذرد که اولیای امور ایران برخلاف قرارداد فی‌مابین، دولت انگلستان را از درآمد صدی پنجاه گمرکات بندرعباس محروم داشته‌اند. از این گذشته، مأمورین ایران با انگلیسی‌ها با بی‌احترامی رفتار می‌کنند، چنان‌که وقت خارج شدن اتباع انگلیسی در بازرسی اثاثیه و چمدان‌های ایشان بیش از حد معمول دقت و تجسس می‌کنند و با نظر بدبینی و بدگمانی در ایشان می‌نگرند و حق‌العبور می‌دهند» (شاردن، 1374: 669/2). «صدراعظم جواب داد که این کار مأموران

^۱. Etienne Flour

خودسرانه بوده و از این پس دستور داده می‌شود که با افراد بیگانه اکرام و مهربان باشند. اما نباید نادیده گرفت که مأموران در بازرسی‌های خود راه خطا نرفته‌اند، زیرا بر سر همه زبان‌هاست که انگلیسی‌ها علیرغم قوانین جاری کشور و برخلاف تعهدات دوستانه هر ساله مبالغ زیادی دوکای طلا از ایران خارج می‌کنند. اما در مورد گله شما از محروم ماندن از درآمد گمرکات بندرعباس، باید بگویم اکنون کار به گونه دیگر شده است و اگر پس از بازگشتن جزیره هرموز به تصرف ایران، شرایط قرارداد منعقد بین ایران و کمپانی چنان که باید و شاید رعایت نمی‌شود در این کار ایران به کمپانی اقتدا می‌کند و شیوه او را پیروی می‌نماید. مگر نه قرارداد این بود که کمپانی همیشه چند کشتی جنگی در آب‌های خلیج فارس بگمارد تا دزدان دریایی فرصت مجال و راهزنی نیابند؟ چون که پیمان خود را از آغاز زیر پا نهاده‌اید و سال‌هاست که یک کشتی جنگی کمپانی در سراسر خلیج فارس دیده نمی‌شود، بر اثر این پیمان‌شکنی دزدان دریایی پرتغال و اعراب زیان‌های زیاد را در منطقه به بار آورده‌اند» (پیشین : 670/2).

شاه سلیمان در سال‌های اول سلطنت، در فرمانی، امتیازات سابق کمپانی هند شرقی را تجدید کرد، اما در این فرمان به مسأله صدی پنجاه گمرکات بندرعباس اشاره‌ای نشده بود، زیرا به نظر شیخ‌علی‌خان چون انگلیسی‌ها از انجام تعهدات خود در حراست از آب‌های خلیج فارس در برابر دزدان دریایی و نیز پرداخت نصف مخارج تصرف قلعه هرموز و بندرعباس سرباز زده بودند، دولت ایران ملزم نیست تعهدات خود را در باره تصنیف عایدات گمرکی بندرعباس محترم بشمارد. بر همین اساس شاهنشاه درآمد گمرکات بندرعباس را به اجاره داده‌اند و مستأجر اجازه داشت هر سال پانزده هزار اکو^۱ به عامل کمپانی بپردازد و پرداختن بیش از این به هیچ روی امکان نداشت (پیشین : 680/2).

شیخ‌علی‌خان زنگنه، همواره در صدد کسب منافع بیشتر کشور در مقابل بیگانگان به ویژه کمپانی‌های هلندی و انگلیسی و کاستن قدرت و نفوذ آنها در ایران بود و در این کار هم

^۱ سکه نقره‌ای معادل سه فرانک

موفق شد. چنانکه با مقاومت در مقابل ادعاهای کمپانی انگلیسی، بدان گونه که خود می خواست عمل می کرد و سالانه از عواید گمرک بندرعباس بیشتر از هزار تومان به کمپانی نمی پرداخت.

شاردن در باره او نوشته است: «وی اصولاً به اروپاییان و به مسیحیان خوش بین نبود و با آنان دشمنی می ورزید. نه رشوه می گرفت و نه توصیه و تحفه می پذیرفت. وجودی فسادناپذیر بود و دایم در این اندیشه بود با کاستن مخارج بی جای دربار و جلوگیری از کارهای ناشایست بر اعتبار و قدرت و جمعیت کشور بیفزاید» (پیشین : 548/2-547). کمپفر^۱ سیاح آلمانی که در سال 1098 ق. / 1686 م. شیخ علی خان را دیده بود، در سفرنامه خود آورده است: «فعلاً مردی است سالخورده، در سنین 80 سالگی اما هنوز فردی است سرزنده و سواری خستگی ناپذیر... مردی است خدا ترس و پرهیزکار و... شمی قوی دارد برای عدالت و رشوه نمی گیرد» (کمپفر، 1363: 83).

به نوشته شاردن: «به هر روی کمپانی انگلیس از مبلغی که دریافت می کرد راضی نبود و از چارلز دوم پادشاه انگلستان تقاضا کرد که ضمن نامه‌ای، مطالبی را که در ایران بر کمپانی وارد آمده به پادشاه ایران بنماید و بخواهد ایران شرایط قرارداد را کاملاً اجرا کند و خسارت رفته را جبران نماید. اتفاقاً در همین زمان از طرف پادشاه ایران فرمانی به فرستاده کمپانی رسید که طبق مفاد آن مأموران ایران در بندرعباس موظفند هر سال مبلغ چهل و پنج هزار فرانک به کمپانی بپردازند و از هر مقدار و هر نوع کالا که کمپانی وارد می کند گمرک نگیرند. اما چون کمپانی به این تسهیلات راضی نبود بار دیگر از پادشاه متبوع خود استدعا کرد، در این مورد نامه‌ای به شاه ایران بنویسد» (شاردن، 1374: 2/659).

چارلز دوم تقاضای کمپانی را پذیرفت و در نامه‌ای در سال 1081 ق. / 1670 م. به شاه سلیمان، ضمن تبریک جلوس و آرزوی موفقیت برای او، نوشت: «... کمپانی هند شرقی انگلیس متضرعانه به دربار ما معروض داشته که پنجاه سال پیش معاهده‌ای با شاه فقید شاه عباس کبیر

^۱. Comphere

یکی از بزرگ‌ترین نیاکان نامور شما منعقد کرده و آن پادشاه معظم به پاداش خدمات بزرگی که کمپانی هند شرقی انگلیس به هزینه‌ی خود در کار تسخیر و تصرف قلعه‌ی کیشمیش و شهر و جزیره‌ی هرموز کرده معظم‌له افزون بر اعطای امتیازات دیگر موافقت نموده‌اند نیمی از حقوق و عوارض گمرکی که از بازرگانی، اعم از راه دریایی یا زمینی گرفته می‌شود متعلق به این کمپانی باشد. اکنون این کمپانی شکایت دارد که سال‌هاست مأموران آن اعلیحضرت سهمی بسیار اندک که از یک هزار تومان تجاوز نمی‌کند به کمپانی می‌دهند و حال آن که در آمد گمرکات مذکور از سی هزار تومان بیشتر است، اینک با اشتیاق زیاد و توجه به مراتب مودت و دوستی که از زمان قدیم میان دو ملت وجود داشته و داریم در تزیاید است امید دارد به طریق منصفانه خسارات وارد به کمپانی جبران شود و موجباتی فراهم آید که آن اعلیحضرت عدالت کامل را نسبت به کمپانی رعایت کنند و بفرمائید کلیه‌ی مطالباتی از بابت بقایای حقوق معوقه یعنی باقیمانده‌ی سهم صدی پنجاه تأدیه شود و مؤکداً دستور فرمایید از این پس با پرداخت نصف درآمد گمرکات به کمپانی موجبات آسودگی خاطر مدیران آن را فراهم کند تا دوستی صمیمانه و صادقانه میان دو ملت همچنان برقرار و مستدام بماند. به همین آرزو و امید اعلیحضرت همایون را به خدای قادر مطلق می‌سپارم» (همان: 659-660/2 و 649-656/2)

شیخ‌علی‌خان از تکرار ادعاهای کمپانی انگلیس آزرده شد؛ به نوشته‌ی شاردن: «صدراعظم وقتی دریافت که انگلیسی‌ها قدر حمایت و مناسبتی را که دو سال پیش در حق ایشان به جای آورده نشناخته‌اند و به جای اظهار سپاسگزاری، به پادشاه خود در باره‌ی مسایل مادی شکایت برده، چنان آزرده خاطر شد که خویشتن‌داری نتوانست. مترجم کمپانی را احضار و به او چنین گفت: این تو هستی که انگلیسی‌ها را وادار و تحریک می‌کنی تا با مطرح و تجدید کردن مسایل کهنه و از یاد رفته ما را ناراحت و خسته کنند و باز تو هستی که با دو ذراع سقرلات قبایی می‌دوزی برتن یکی از منشیان راست می‌کنی و او را به عنوان سفیر به دربار شاه ایران معرفی می‌کنی. اگر انگلیسی‌ها در زمان گذشته یک بار خدمت و مساعدتی به ایران کرده‌اند، هزار بار پاداش آن را

داده‌ایم و حق ندارند بر ما منت نهند و بیش از آن چه که داده‌ایم چیزی طلب کنند. از این گذشته ما در بستن قرارداد هیچ‌گاه پیش‌قدم نبوده‌ایم و این انگلیسی‌ها بوده‌اند که سود و صلاح خویش را در انعقاد قرارداد تشخیص داده‌اند و پیش‌دستی کرده‌اند. ما بیش از آن چه باید، داده‌ایم و از این پس رعایت حال کمپانی را نخواهیم کرد.» (همان: 2/ 661-660).

بدین ترتیب، با پاسخ تند شیخ علی خان به توماس رولت حامل نامهٔ چارلز دوم، کمپانی هند شرقی بار دیگر ناکام ماند. این دومین بار بود که چارلز دوم در اخذ عوارض گمرکی بندرعباس راه به جایی نمی‌برد. به نوشتهٔ کرزن، کمپانی نوبتی دیگر در سال 1095 ق./ 1683 م. شخصی به نام سرتامس گرینتام^۱ را به ایران فرستاد تا ادعای کمپانی را به طور جدی تعقیب کند، اما بندر گمبرون به سبب جنگ ایران و هلند در محاصره بود و او دست خالی بازگشت (کرزن، 1373 : 2/ 657).

به نوشتهٔ جان فرایر که در سال 89-1088 ق. در ایران بود: «... نمایندهٔ کمپانی تنها با دریافت سالیانه هزار تومان راضی شد. که آن هم اخیراً داده شده است» (Fryer, 1967: 2/181). همچنین کمپفر نیز که در سال‌های 96-1095 ق. در ایران حضور داشت، در باب دریافت عواید مذکور نوشته است: «... بریتانیایی‌ها در سال به مبلغ هزار تومان که به زحمت به $\frac{1}{5}$ میزانی است که می‌توانند ادعا کنند، قناعت می‌ورزند» (کمپفر، 1363: 115). با وجود این تردید نیست که در دورهٔ سلطنت شاه سلیمان، کمپانی هند شرقی سالانه مبالغی را به عنوان سهم خود از درآمد گمرک بندرعباس دریافت می‌کرد (نک جدول ش 3).

*جدول ش. 3- پرداخت‌های ایران به کمپانی هند شرقی بریتانیا در 1088-1079 ق. (عصر شاه سلیمان)

سال قمری	سال میلادی	دریافتی کمپانی (تومان)
1079	1668	700
1080	1669	700

¹ . Sir Thoms Gerentam

1000	1670	1081
1000	1671	1082
1000	1672	1083
1000	1673	1084
1000	1674	1085
1000	1675	1086
1000	1676	1087
1000	1677	1088

*منبع: حبیبی و وثوقی، 408:1387

با مقایسه میزان دریافتی کمپانی از عواید گمرکی بندرعباس در جدول شماره 3 روشن می‌شود که در دوره شاه سلیمان دولت ایران به رغم پرداخت مبالغی بیشتر از دوره‌های پیشین به کمپانی، باز هم نصف عواید گمرکی بندرعباس را به کمپانی نمی‌پرداخت، زیرا در دوره شاه سلیمان میزان دریافت عواید گمرکی ایران از بندرعباس در برخی از سال‌ها در حدود 23 هزار تومان بود.

دوره شاه سلطان حسین

چون شاه سلطان حسین (1135-1105 ق./1722-1694 م.) بر تخت سلطنت نشست، کمپانی هند شرقی انگلیس، مذاکره برای تمدید امتیازات پیشین را آغاز کرد. سرانجام شاه سلطان حسین امتیازات کمپانی را پذیرفت و در سال 1109 ق./1697 م. فرمانی شامل 21 ماده صادر کرد و آخرین ماده آن به موضوع پرداخت عوارض گمرکی بندرعباس، به کمپانی اختصاص داشت. بر اساس این قرارداد، عباسقلی خان حاکم گمبرون، می‌بایست بدون تأخیر بدهی معوقه کمپانی از حقوق گمرکی بندرعباس را به کمپانی بپردازد (Ferrier, 1986:56-57). 19 ماده این قرارداد مشابه مفاد قراردادهای شاهان پیشین صفوی بود و 2 ماده دیگر را شاه سلطان حسین خود افزود. تمدید و اعطای امتیازات جدید از سوی شاه سلطان حسین می

تواند نشانه ای از بهبود نسبی روابط و رونق تجاری کمپانی پس از سال‌های ضعف و کسادگی تلقی شود و تحت این شرایط و امتیازات، چارچوب عملیاتی کمپانی برای تجارت در ایران مشخص شد، به ویژه ماده 21 قرارداد در باب پرداخت بدهی معوقه حقوق گمرکی بندرعباس کمپانی را خشنود کرد و حجم روابط تجاری را افزایش داد.

شاه سلطان حسین خود، همراه گروهی از زنان حرم، در 25 محرم سال 1111 / 23 ژوئیه 1699 به تجارتخانه کمپانی هند شرقی انگلیس در اصفهان آمد و مأموران پذیرایی شاهانه مجللی از وی به عمل آوردند. گرچه این دیدار، هزینه‌ای بالغ بر 400 تومان (1200 لیره) بر دوش کمپانی انگلیسی گذاشت، اما شاه سلطان حسین با این اقدام، تمایل بیشتر خود را نسبت به آنها آشکار کرد و به شاه بندر گمبرون نیز دستور داد، بی‌درنگ مبلغ 1000 تومان حق‌السهم یک ساله عوارض گمرکی بندرعباس را که به تأخیر افتاده بود، به کمپانی پرداخت کند (طاهری، 1354: 1/ 189).

الکساندر همیلتون¹ یکی از مخالفان کمپانی هند شرقی انگلیس، ناخشنودی خود را از دیدار شاه بیان داشت: «عامل کمپانی (بروس) این تفقد شاهانه را افتخار بزرگی برای کمپانی می‌دانست که هلندی‌ها از آن محروم بودند. مشارالیه نقل می‌کند که خود من و تمام اعضاء و اجزاء تجارت‌خانه از منازل خویش بیرون رفته و درهای اطاق‌ها و انبارها را باز گذاشتیم تا اعلیحضرت و محارمی که همراه او بودند، در آنجا گردش کنند و هرچه می‌خواهند از اجناس تجارت‌خانه برای خود بردارند. در اطاق سفره‌خانه نیز میز بزرگی گذاشته بودیم که روی آن انواع شیرینی و میوه‌های لذیذ و عالی چیده شده بود اما من تصور می‌کنم که کمپانی نباید چندان به کسب این افتخار راغب باشد، زیرا مخارج زیادی برای آن‌ها در برداشت» (ویلسون، 1348: 203-202).

¹. Alexander Hamilton

برخلاف نظر همیلتون، این دیدار برای کمپانی ضرری نداشت، زیرا گرچه مخارج کمپانی در این دیدار بالغ بر ۴۰۰ تومان بود، اما در مقابل به خاطر دیون عقب افتاده عوارض گمرکی بندرعباس ۱۰۰۰ تومان به دست آورد. به علاوه، بروس خود در گزارشی که به بمبئی فرستاد، نوشت: «ایرانیان عوارض یک ساله بندرعباس را پرداخته‌اند و وعده داده‌اند که ۲۰۰۰ تومان باقی مانده را نوروز سال آینده بپردازند» (طاهری، ۱۳۵۴: ۱/ ۱۸۹).

در سال‌های بعد نمایندگان دیگری برای مطالبه عواید گمرکی به ایران آمدند. در ۱۱۱۶ ق. / ۱۷۰۴ م. رؤسای کمپانی که از تأخیر در دریافت سهم خود از عواید گمرکی گمبرون [بندرعباس] ناراحت بودند، شخصی به نام پرسکات^۱ را به جانشینی ادوارد اون، به عنوان نماینده به ایران فرستادند تا سهم کمپانی را مطالبه کند، اما پرسکات وقتی به ایران رسید، که ادوارد اون فوت کرده بود. پرسکات نیز پس از مدتی اقامت در ایران، بی آنکه در انجام مأموریتش موفق شود، در گذشت (لکه‌هارت، ۱۳۸۳: ۳۴۶). آنگاه نماینده دیگری به نام جان لاک^۲ در سال ۱۱۱۷ ق. / ۱۷۰۵ م. به ایران آمد. وی توانست در سال ۱۱۱۹ ق. / ۱۷۰۷ م. سهم کمپانی از بابت عواید گمرکی بندرعباس را از دولت ایران دریافت کند. به نوشته لرد کرزن: «در سراسر این مدت نماینده انگلیس در اصفهان وضعی ممتاز داشت و او را فرستاده معتبر پادشاه می‌نگریستند» (همان: ۳۴۸ / طاهری، ۱۳۵۴: ۱/ ۱۹۰).

نتیجه

پس از قرارداد اتحاد شاه عباس اول با کمپانی هند شرقی انگلیس در سال ۱۰۳۱ ق. / ۱۶۲۲ م. علیه پرتغالی‌ها، موضوع واگذاری نصف عوارض گمرکی بندرعباس تا پایان حکومت صفویان موضوع ادعائی کمپانی انگلیسی باقی ماند. در دوره شاه عباس اول و شاه صفی، دولت ایران سالیانه ۷۰۰ تومان به کمپانی می‌پرداخت. در دوره شاه عباس دوم نیز حکومت ایران به

^۱. Prescott

^۲. John Lock

سبب جنگ‌های داخلی انگلیس و نیز جنگ‌های هلند و انگلستان، مبلغی پرداخت نمی‌کرد. به همین سبب، چارلز دوم، پادشاه انگلیس، شخصی به نام هنری بارد (ویکونت بلومونت) را برای اخذ عواید گمرکی معوقه بندرعباس به ایران فرستاد، اما بلومونت نتوانست موافقت دربار صفوی را جلب کند و دست خالی به انگلستان بازگشت. مبلغ دریافتی سالیانه کمپانی در دوره شاه عباس دوم، بیشتر از 800 تومان نبود. در دوره شاه سلیمان نیز چارلز دوم فرستاده دیگری به نام توماس رولت را به ایران فرستاد که مأموریت او نیز راه به جایی نبرد، اما میزان دریافتی کمپانی در این دوره، نسبت به دوره‌های پیشین افزایش یافت و بالاترین رقم دریافتی کمپانی در این زمان، 1000 تومان بود. در دوره شاه سلطان حسین وضعیت بهتر شد و شاه حتی یکی از بندهای قرارداد با کمپانی را به پرداخت بدهی معوقه کمپانی از حقوق گمرکی بندرعباس اختصاص داد. اگر چه در سال‌های بعد مناقشه طرفین ادامه داشت، اما کمپانی نسبت به دوره‌های پیشین مبالغ بیشتری دریافت می‌کرد، هرچند که هرگز نتوانست آن را به صورت کامل دریافت کند، زیرا به نظر دولت ایران کمپانی به تعهداتش مبنی بر نگهداری و استقرار چهار کشتی به منظور حراست از آب‌های خلیج فارس در برابر دزدان دریایی عمل نمی‌کرد و وانگهی، کمپانی نیز تعهد خود را در باب پرداخت نصف مخارج تصرف قلعه هرمز و بندرعباس نادیده می‌گرفت. البته اسباب و علل دیگری را هم باید در ادامه اختلافات در نظر داشت؛ همچون سرسختی شیخ‌علی‌خان زنگنه وزیراعظم در برابر انگلیسی‌ها و امتیاز ندادن به آنها، جنگ‌های داخلی انگلستان و جنگ‌های انگلستان و هلند.

منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی

- افشار، ایرج (1380)، *دفتر تاریخ (مجموعه اسناد و منابع تاریخی)*، ج 1، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار
- بیانی، خانبابا (1384)، *تاریخ نظامی ایران، جنگ‌های دوره صفویه*، تهران: مرشد

- تاورنیه، ژان باپتیست [بی تا]، *سفرنامه تاورنیه*، ترجمه: ابوتراب نوری، به تصحیح: حمید شیرانی، اصفهان: کتابخانه سنایی و کتابفروشی تأیید اصفهان
- حبیبی، حسن و محمدباقر وثوقی (۱۳۸۷)، *بررسی تاریخی، سیاسی و اجتماعی اسناد بندرعباس ۱۳۲۱-۱۳۲۶* ق. تهران: بنیاد ایران شناسی
- رابینو، لویی (۱۳۶۳)، *دیپلمات‌ها و کنسول‌های ایران و انگلیس*، ترجمه: کریم امامی، تهران: نشر نو با همکاری انتشارات زمینه
- شاردن، ژان (۱۳۷۴)، *سفرنامه شاردن*، ج ۲، ترجمه: اقبال یغمایی، تهران: توس
- طاهری، ابوالقاسم (۱۳۵۴)، *تاریخ روابط سیاسی و بازرگانی انگلیس و ایران* (از دوران فرمانروایی مغولان تا پایان عهد قاجاریه)، جلد اول (از آغاز تا عقد معاهده گلستان)، تهران: سلسله انتشارات انجمن آثار ملی
- فریر، راندل (۱۳۸۰)، «تجارت در دوره صفویان»، در *تاریخ ایران کمبریج*، دوره صفویان، ترجمه: یعقوب آژند، تهران: جامی
- کرزن، جرج ناتانیل (۱۳۷۳) *ایران و قضیه ایران*، ج ۲، ترجمه: غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
- کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۳)؛ *سفرنامه کمپفر*، ترجمه: کیکاوس جهان‌داری، تهران: خوارزمی
- لکه‌هارت، لارنس (۱۳۸۰)، «تماس اروپائیان با ایران»، در *تاریخ ایران کمبریج*، دوره صفویان، ترجمه: یعقوب آژند، تهران: جامی
- لکه‌هارت، لارنس (۱۳۸۳)، *انقراض سلسله صفویه*، ترجمه: اسماعیل دولتشاهی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
- لوفت، پاول (۱۳۸۰)، *ایران در عهد شاه عباس دوم*، ترجمه: کیکاوس جهان‌داری، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه
- ملکم، سرجان (۱۳۸۲)، *تاریخ کامل ایران*، ترجمه: میرزا اسماعیل حیرت، به تصحیح: مهدی قمی‌نژاد، تهران: دنیای کتاب
- منشی، اسکندریبگ (۱۳۷۷)، *تاریخ عالم آرای عباسی*، ج ۳، به تصحیح: محمد اسماعیل رضوانی تهران: دنیای کتاب
- وثوقی، محمدباقر (۱۳۸۴)، *تاریخ خلیج فارس و ممالک همجوار*، تهران: سمت
- ویلسون، سر آرنولد (۱۳۴۸)، *خلیج فارس*، ترجمه: محمد سعیدی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب
- (ب) منابع انگلیسی

Fryer, John, (1967), *A New account of East India and Persia, Being nine years Travels, 1672-1681*, Nendlen: Karus reprint Limitid Liechtenstein Karaus reprint Limited.

Ferrier, R. W, (1986), “**The Terms and conditions under which English Trade was Transacted with safavid Persian**”; Bulletin of School of Oriental and African Studies, university of London, vol 49, No 1, In Honour of Ann.k.S Lambton.

Lockhart, Laurence, (1966), “**The Diplomatic Missions of Henry Bard, Viscount Bellomont, to Persia and India**”, British Institute of Persian Studies,Iran, Vol 4.

